خلاصه جلسه گذشته

در خصوص مباحث مرتبط با بیماری کرونا از مراجع تقلید استفتاء شده، آیا می توان زکات را در مبارزه با کرونا ویروس خرج و مصرف کرد؟ یعنی، برای ضد عفونی کردن شهرها و اماکن و نیز برای تهیه ابزار ضد کرونایی، آیا مصرف زکات جایز است؟ گفتیم جواز زکات در این موارد مصرف کند از باب سبیل الله است. به عبارت دیگر هزینه های مبارزه با کرونا ویروس زیر مجموعه سبیل الله قرار می گیرد.

مراد از سبیل الله

گرایش عمومی اهل سنت، سبیل الله مخارج مربوط به جبهه است. و گرایش عمومی شیعه، مراد، مصارفی که خیر عمومی و مصالح عموی است. فقهاء، مصارف قربی شخصی را از موارد سبیل الله مانند برای رفع اختلاف زن و شوهر یا اختلاف بین پدر و فرزند نمی دانند و نباید از فی سبیل الله هزینه کرد.

امام راحل و مرحوم بروجردی مصالح را مقید به عمومی کردن یعنی در مصالح عمومی می توان از فی سبیل الله خرج کرد. در مقابل تعداد زیادی از علماء و قدمای شیعه سبیل الله را تفسیر به جهاد کرده اند.

شیخ طوسی در النهایة می فرماید: باب مستحق الزکات اقل ما یعطی و اکثر: الذی یستحق الزکاة هم الثمانیة هم الفقراء و المساکین و العاملون علیها و المولفة قلوبهم و فی الرقاب و الغارمون و فی سبیل الله و هو الجهاد.[[1]](#footnote-1) شیخ طوسی گفته سبیل الله جهاد است. شیخ مفید- استاد شیخ طوسی و تهذیت شیخ طوسی شرح کتاب مقنعه است- در کتاب المقنعة می فرماید: فی سبیل الله و هو الجهاد[[2]](#footnote-2). کتاب المراسم فی الفقة الامامی که از شاگردان شیخ مفید است می گوید: و فی سبیل الله و هو الجهاد[[3]](#footnote-3). علاء الدین حلبی ابی از قدماء است ص 112 می فرماید: و فی سبیل الله و هو الجهاد الحق. در نتیجه این فقهای بزرگ سبیل الله را به جهاد معنای کرده اند و چیز دیگری در معنی آن نگفته اند ولی شیخ طوسی در الجمل والعقود می فرماید: و فی سبیل الله و هو ما جری مجراه[[4]](#footnote-4). بنابراین شیخ طوسی در معنی فی سبیل الله چیز اضافه ای گفته اند.

استاد: سوال- آیا قدماء واقعاً مواردی که در تحریر و عروه به عنوان سبیل الله ذکر شده است واقعا سبیل الله نمی دانند یا سبیل الله می دانند؟ واینکه جهاد را ذکر کرده اند دلیل دارند؟

پاسخ - اثبات شی نفی ما عداه نمی کند به عبارت دیگر، نزد شیعه تردیدی نیست که جهاد از مصادیق سبیل الله است. بنابراین وقتی عامه نیز سبیل الله را در جهاد معنی کرده اند بنابراین امامیه و عامه متفق القول هستند که از مصادیق سبیل الله جهاد است لذا قدمای فقهای امامیه دیگر ضرورتی بر ذکر موارد اختلافی که عبارت از امور خیر و مصالح عمومی ندیده اند.

سید یزدی فی سبیل الله در العروة الوثقی را معنی کرده است در « وهو جمیع سبل الخیر کبناء القانطر و المدارس و الخانات و المساجد تو عمییرها و تخلیص المومنین من ید الظالمین و نحو ذالک کاصلاح ذات البین و دفع وقوع الشرور و الفتن بین المسلمین و کذا اعانة الحجاج و الزائرین و اکرام العلماء و المشتغلین مع عدم تمکنهم من الحج و الزیارة والاشتغال و نحوها من اموالهم بل الاقوی دفع هذا السهم فی کلّ قربة[[5]](#footnote-5). البته اقوایی که سید می گوید را بحث خواهیم کرد.

بنابراین گرایش عمومی متاخرین تعمیم است. اما این تعمیم تا کجا و چه مواردی است را نیز خواهیم گفت. دلیل آن در روایت تعمیم داده شده است که حتی می توان برای کسانی که آنها به حج ببرند خرج بشود.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ أَنَّهُ ذَكَرَ فِي تَفْسِيرِهِ تَفْصِيلَ هَذِهِ الثَّمَانِيَةِ الْأَصْنَافِ فَقَالَ فَسَّرَ الْعَالِمُ ع فَقَالَ: الْفُقَرَاءُ هُمُ الَّذِينَ لَا يَسْأَلُونَ لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى «لِلْفُقَراءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللّهِ- لا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْباً فِي الْأَرْضِ- يَحْسَبُهُمُ الْجاهِلُ أَغْنِياءَ مِنَ التَّعَفُّفِ- تَعْرِفُهُمْ بِسِيماهُمْ لا يَسْئَلُونَ النّاسَ إِلْحافاً »- «وَ الْمَساكِينِ» هُمْ أَهْلُ الزَّمَانَاتِ - قَدْ دَخَلَ فِيهِمُ الرِّجَالُ وَ النِّسَاءُ وَ الصِّبْيَانُ- «وَ الْعامِلِينَ عَلَيْها» هُمُ السُّعَاةُ وَ الْجُبَاةُ- فِي أَخْذِهَا وَ جَمْعِهَا وَ حِفْظِهَا- حَتَّى يُؤَدُّوهَا إِلَى مَنْ يَقْسِمُهَا وَ الْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ- قَالَ هُمْ قَوْمٌ وَحَّدُوا اللَّهَ- وَ خَلَعُوا عِبَادَةَ مَنْ دُونَ اللَّهِ- وَ لَمْ تَدْخُلِ الْمَعْرِفَةُ قُلُوبَهُمْ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ ص- وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَتَأَلَّفُهُمْ وَ يُعَلِّمُهُمْ- وَ يُعَرِّفُهُمْ كَيْمَا يَعْرِفُوا- فَجَعَلَ لَهُمْ نَصِيباً فِي الصَّدَقَاتِ لِكَيْ يَعْرِفُوا وَ يَرْعَوا - «وَ فِي الرِّقابِ» قَوْمٌ لَزِمَتْهُمْ كَفَّارَاتٌ فِي قَتْلِ الْخَطَإِ- وَ فِي الظِّهَارِ وَ فِي الْأَيْمَانِ وَ فِي قَتْلِ الصَّيْدِ فِي الْحَرَمِ- وَ لَيْسَ عِنْدَهُمْ مَا يُكَفِّرُونَ وَ هُمْ مُؤْمِنُونَ- فَجَعَلَ اللَّهُ لَهُمْ سَهْماً فِي الصَّدَقَاتِ لِيُكَفَّرَ عَنْهُمْ-« وَ الْغارِمِينَ »قَوْمٌ قَدْ وَقَعَتْ عَلَيْهِمْ دُيُونٌ- أَنْفَقُوهَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ إِسْرَافٍ- فَيَجِبُ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَقْضِيَ عَنْهُمْ- وَ يَفُكَّهُمْ مِنْ مَالِ الصَّدَقَاتِ- «وَ فِي سَبِيلِ اللّهِ »قَوْمٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجِهَادِ- وَ لَيْسَ عِنْدَهُمْ مَا يَتَقَوَّوْنَ بِهِ- أَوْ قَوْمٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَيْسَ عِنْدَهُمْ مَا يَحُجُّونَ بِهِ- أَوْ فِي جَمِيعِ سُبُلِ الْخَيْرِ- فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُعْطِيَهُمْ مِنْ مَالِ الصَّدَقَاتِ- حَتَّى يَقْوَوْا عَلَى الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ-«وَ ابْنِ السَّبِيلِ »أَبْنَاءُ الطَّرِيقِ- الَّذِينَ يَكُونُونَ فِي الْأَسْفَارِ فِي طَاعَةِ‌ اللَّهِ- فَيُقْطَعُ عَلَيْهِمْ وَ يَذْهَبُ مَالُهُمْ- فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَرُدَّهُمْ إِلَى أَوْطَانِهِمْ مِنْ مَالِ الصَّدَقَاتِ[[6]](#footnote-6).

سند روایت

تفسیر علی بن ابراهیم مرسل است و برخی از آن از ابی الجارود زیدی است. البته علماء به تفسیر قمی اعتماد کرده اند. نکته قابل توجه این است که در مسایل اعتقادی تفسیری، به محتوی روایت توجه می شود. مثلاً مرحوم طبرسی در الاحتجاج می گوید سند ها را حذف کرده بخاطر اینکه مسایل کلامی عقلی هستند و با عقل پذیرفته با رد می شوند لذا نیازی به سند ندیده اند. اضافه برآن اعتماد علما به تفسیر قمی مایه اطمینان می شود. که حتی این اعتماد علما به تفسیر قمی موجب شده محقق خویی به آن اعتماد کنند.

دلالت روایت

اولاً، مراد از عالم در صدر روایت یعنی معصوم علیه السلام است. ثانیاً، در زیل روایت می فرماید:«وَ فِي سَبِيلِ اللّهِ »قَوْمٌ يَخْرُجُونَ فِي الْجِهَادِ- وَ لَيْسَ عِنْدَهُمْ مَا يَتَقَوَّوْنَ بِهِ- أَوْ قَوْمٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَيْسَ عِنْدَهُمْ مَا يَحُجُّونَ بِهِ- أَوْ فِي جَمِيعِ سُبُلِ الْخَيْرِ- فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُعْطِيَهُمْ مِنْ مَالِ الصَّدَقَاتِ- حَتَّى يَقْوَوْا عَلَى الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ. می فرماید عده ای به جهاد می روند اما کسی را ندارند آنها را پشتیبانی کند. یا عده ای از مومنین پولی ندارند که با آن حج بروند و یا پولی ندارند که در مسیر خیر خرج کنند. روایت تصریح می کند جایز است دراین مسیر از فی سبیل الله خرج بکنند.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ ع يَكُونُ عِنْدِي الْمَالُ مِنَ الزَّكَاةِ أَ فَأُحِجُّ بِهِ مَوَالِيَّ وَ أَقَارِبِي قَالَ نَعَمْ لَا بَأْسَ.[[7]](#footnote-7)

اسناد شیخ صدوق به علی بن یقطین صیحی است. سوال می تواند با مالی که نزد او است موالی و اقارب خود را به حج بفرستد امام علیه السلام فرمودند جایز است. روشن است که مورد مصرف فی سبیل الله است چون دیگر مصارف زکات نیست.

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الصَّرُورَةِ أَ يَحُجُّ مِنَ الزَّكَاةِ قَالَ نَعَمْ.[[8]](#footnote-8)

سند شیخ صدوق به محمد بن مسلم ان قلت دارد. ولی سند دیگری شیخ صدوق از حریز به محمد بن محمئ مسلم دارد. این اسناد سند روایت را درست می کند. دلالت روایت روشن است اضافه بر این اهل بیت پول می گذاشتن برای حل دعوا و اختلاف و این احتمال پولی که جدا می کردند از پول زکات است. روایت زیر در این رابطه است.

ابْنُ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ سَابِقِ الْحَاجِّ قَالَ: مَرَّ بِنَا الْمُفَضَّلُ وَ أَنَا وَ خَتَنِي نَتَشَاجَرُ فِي مِيرَاثٍ فَوَقَفَ عَلَيْنَا سَاعَةً ثُمَّ قَالَ لَنَا تَعَالَوْا إِلَى الْمَنْزِلِ فَأَتَيْنَاهُ فَأَصْلَحَ بَيْنَنَا بِأَرْبَعِمِائَةِ دِرْهَمٍ فَدَفَعَهَا إِلَيْنَا مِنْ عِنْدِهِ حَتَّى إِذَا اسْتَوْثَقَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا مِنْ صَاحِبِهِ قَالَ أَمَا إِنَّهَا لَيْسَتْ مِنْ مَالِي وَ لَكِنْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَمَرَنِي إِذَا تَنَازَعَ رَجُلَانِ مِنْ أَصْحَابِنَا فِي شَيْ‌ءٍ أَنْ أُصْلِحَ بَيْنَهُمَا وَ أَفْتَدِيَهَا مِنْ مَالِهِ فَهَذَا مِنْ مَالِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع.[[9]](#footnote-9)

سند روایت

ابن سنان از جهت سند یعنی محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن بن سنان. یعنی مرحوم کلینی روایت می کند. اسم ابو حنیفه سابق الحاج سعید بن بیان است. و چون در حج عجله نمی کرده و همیشه جزو نفرات آخر بوده بابت این کار مذمت می شده اما نجاشی او را توثیق کرده است.

دلالت روایت

می گوید درحالی که با داماد- ختن به داماد است و به شوهر خواهر نیز داماد گفته می شود- خودم مشاجره می کردم مفضل از پیش ما گذشت. مفضل یک ساعتی ایستاد تا ببیند برای چه دعوا می کنیم. مفضل به ما گفت به منزل من بیاید و قتی رفتیم دویست درهم به ما داد. از تمام شدن دعوا و رفع کدورت مطمئن شد. مفضل گفت این از اموال من نیست بلکه امام صادق علیه السلام آنها به من که اگر از شیعیان با هم اختلاف داشتند با صرف این پول بین آنها آشتی بدهم. بنابراین این پول امام صادق علیه السلام. البته نمی توان به قطع گفت از اموال زکات بوده و چه بسا از اموالی دیگری که نزد امام صادق بوده است ولی به عنوان احتمال می توان از اموال زکوی است. بنابراین فی سبیل الله جهاد و غیر جهاد از مصالح مومنین است.

آیا فی سبیل الله کل قربة است یا آنکه در مصالح عمومی باشد؟

در جلسه گذشته عبارات علما را خوانیدم. مرحوم بروجردی در تعلقیه خود مصالح عامه را گفتند اند. ولی در توضیح المسائل قید عامه را اضافه نکرده اند و امام راحل در حاشیه خود به توضیح المسائل مرحوم بروجردی قید عامه را ضافه کرده اند.- یک جلد از مجموعه آثار امام راحل توضیح المسائل مرحوم بروجردی با حاشیه امام راحل است- مرحوم آقای شاهرودی نیز تصریح کرده اند باید مصالح عامه باشد. توضیح مطلب اینکه، مثلا بین پدر و پسر که هر دو پولدار هستند اختلاف بشود آیا می توان با پول دعوای آنها حل کرد از این جهت که زیر مجموعه اصلاح بین الاثنین است. و یا مثلا زن و شوهر هر دو پولدار هستند برای حل دعوای آنها می توان زیر مجموعه ادخال السرور فی قولب المومنین قرار داد و به آنها از سهم فی سبیل الله بدهند؟ امام راحل معتقد هستند نمی شود، و همچنین دیگر یزرگان اجازه نمی دهد.

چرا نمی توان فی سبیل الله را صرف مصالح شخصی کرد؟ در روایات از زکات تعبیر به اوساخ اموال الناس یعنی چرک های اموال مردم است. چرک ها را افراد نیازمند می گیردند. اما افراد بی نیاز نمی گیرند

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ ع قَالَ: الْخُمُسُ مِنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ مِنَ الْغَنَائِمِ وَ الْغَوْصِ وَ مِنَ الْكُنُوزِ وَ مِنَ الْمَعَادِنِ وَ الْمَلَّاحَةِ يُؤْخَذُ مِنْ كُلِّ هَذِهِ الصُّنُوفِ الْخُمُسُ فَيُجْعَلُ لِمَنْ جَعَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ وَ يُقْسَمُ الْأَرْبَعَةُ الْأَخْمَاسِ بَيْنَ مَنْ قَاتَلَ عَلَيْهِ وَ وَلِيَ ذَلِكَ وَ يُقْسَمُ بَيْنَهُمُ الْخُمُسُ عَلَى سِتَّةِ أَسْهُمٍ،....... وَ إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا الْخُمُسَ خَاصَّةً لَهُمْ دُونَ مَسَاكِينِ النَّاسِ وَ أَبْنَاءِ سَبِيلِهِمْ عِوَضاً لَهُمْ مِنْ صَدَقَاتِ النَّاسِ تَنْزِيهاً مِنَ اللَّهِ لَهُمْ لِقَرَابَتِهِمْ بِرَسُولِ اللَّهِ ص وَ كَرَامَةً مِنَ اللَّهِ لَهُمْ عَنْ أَوْسَاخِ النَّاسِ[[10]](#footnote-10).

حماد بن عیسی از اصحاب اجماع است بنابراین سند روایت سند خوبی است. امام علیه السلام تعبیر به اوساخ الناس کرده است و به این معنی که در شان آنها نیست. روایت اول این باب همین تعبیر را دارد. و نیز فی سبیل الله در سیاق مصارف عمومی زکات قرار گرفته است یعنی اصناف زکات اصناف عمومی هستند که فی سبیل الله در سیاق آنها قرار گرفته است.

استاد: این استدلال محکمی به نظر نمی رسد. ولی صرف در مصارف عمومی موجب یقین به برائت ذمه می شود بر خلاف آن اگر در مصارف شخصی صرف بشود یقین به برائت ذمه حاصل نمی شود.

شرط ایمان برای مصرف زکات در مبارزه با کرونا ویروس

دو بحث در اینجا قابل مطرح شدن است. یکی شرط ایمان است. سید یرذی مساله را ذکر کرده است.

الأول: الإيمان‌ فلا يعطى للكافر بجميع أقسامه و لا لمن يعتقد خلاف الحق من فرق المسلمين حتى المستضعفين منهم إلا من سهم المؤلفة قلوبهم و سهم سبيل الله في الجملة و مع عدم وجود المؤمن و المؤلفة و سبيل الله يحفظ إلى حال التمكن‌[[11]](#footnote-11).

زکات به اقسام کافر داده نمی شود. نیز به فرقه های منحرف و حتی مستضعفین آنها را نمی شود زکات بدهد مگر از سهم مولفة قلوبهم که می تواند به آنها زکات داد. سهم مولفة قلوبهم روشن است به آنها زکات داده می شود که دل آنها متمایل به اسلام می شود. اما سهم سبیل الله را جناب سید فی الجمله فرموده است. محقق خویی می فرماید صرف از سهم سبیل الله برای غیر مومن در مصلحت مومن می شود. متن عبارت محقق خویی: كما إذا كان الصرف على غير المؤمن لمصلحة المؤمن فيكون هو في الحقيقة من الصرف على المؤمن فتدخل في النصوص المتقدّمة، و أمّا من دون ملاحظة ذلك، فلا يجوز الصرف، لإطلاق النصوص المانعة. [[12]](#footnote-12)جلسه آینده شرط ایمان را بررسی می کنیم

1. [النهاية، الشيخ الطوسي، ج1، ص184.](http://lib.eshia.ir/10054/1/184/قتل) [↑](#footnote-ref-1)
2. [المقنعة، الشيخ المفيد، ج، ص241.](http://lib.eshia.ir/15114//241/) [↑](#footnote-ref-2)
3. [المراسم العلوية في النبوية، الديلمي، الشيخ ابى يعلي، ص133.](http://lib.eshia.ir/15105/1/133/سبیل) [↑](#footnote-ref-3)
4. [الجمل و العقود في العبادات، الشيخ الطوسي، ج، ص103.](http://lib.eshia.ir/86489//103/جری) [↑](#footnote-ref-4)
5. [العروة الوثقى - جماعة المدرسین، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج4، ص120-121.](http://lib.eshia.ir/10027/4/120/سبل) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج9، ص211-212، أبواب المستحقین، باب1، ح7، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/9/211/ذکر) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج9، ص290، أبواب المستحقین للزکاة و وقت التسلیم و النیة، باب42، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/9/290/المال) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج9، ص290، أبواب المستحقین للزکاة و وقت التسلیم و النیه، باب42، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/9/290/) [↑](#footnote-ref-8)
9. [الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج2، ص209.](http://lib.eshia.ir/11005/2/209/استوثق) [↑](#footnote-ref-9)
10. [الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج1، ص539.](http://lib.eshia.ir/11005/1/539/اوساخ) [↑](#footnote-ref-10)
11. [العروة الوثقى - جماعة المدرسین، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج4، ص124.](http://lib.eshia.ir/10027/4/124/للکافر) [↑](#footnote-ref-11)
12. [موسوعة الامام الخوئي، الخوئي، السيد أبوالقاسم، ج24، ص135.](http://lib.eshia.ir/71334/24/135/لاطلاق) [↑](#footnote-ref-12)